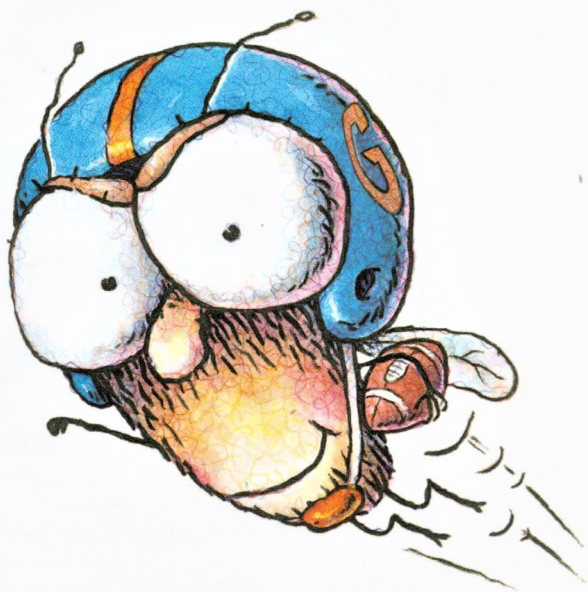


هورااا سَرَمگس!



تِد آرنولد

مترجم: مریم فیاضی

پسری بود که توی خانه مگس نگه می‌داشت.
اسمش را گذاشته بود سَرمگس.
سَرمگس بلد بود اسم پسر را بگوید:

ویزرز!

